

درس یازدهم

گرد آفرید

اگر آفرید، پهلوان شیرزن حماسه ملی ایران، دختر گُردَهَم است. اگر آفرید دلاور با اینکه در داستان رستم و سهراب شاهنامه حضوری کوتاه دارد، بسیار برجسته و یکی از گیراترین زنان شاهنامه است. در رهسپاری سهراب از توران به سوی ایران، هنگامی که وی در جست و جوی پدرش، رستم است، با او آشنا می شویم. در مرز توران و ایران، دژی به نام سپید دژ است. گُردَهَم که یک ایرانی سالخورده است، بر آن دژ فرمان می راند و همواره در برابر دشمن، پایداری سرسختانه ای می ورزد و با این کار، دل همه ایرانیان را به آن دژ امیدوار می سازد. سهراب ناچار است پیش از درآمدن به خاک ایران از این دژ بگذرد. در نبرد میان سهراب و هَجیر، فرمانده دژ، سهراب بر او پیروز می شود. سهراب، نخست می خواهد او را بکشد، اما او را اسیر کرده، راهی سپاه خود می کند. آگاهی از این رویداد، دژنشینان را سراسیمه می سازد، اما گرد آفرید این واقعه را مایه ننگ می داند و برمی آشوبد و خود به نبرد او می رود. سهراب برای رویارویی آن شیرزن به رزمگاه درمی آید و نبرد میان آن دو درمی گیرد:

در اینجا: هَجیر شکست خورد و اسیر شد

۱ چو آگاه شد دختر گُردَهَم که سالار آن انجمن، گشت کم

زنی بود بر سان گردی سوار مانند همیشه (به جنگ اندرون، نامدار سرفراز و مشهور در جنگ به دنیا نیامد) کجا نام او بود «گرد آفرید» (زمانه ز مادر، چنین ناورید یکتا) نمینه

چنان نگش آمد ز کار هَجیر که (شد لاله رنگش) به کردار قیر (خشم و شرمساری)

۵ پوشید درع سواران جنگ نبود اندر آن کار، جاے درنگ نبرد با سهراب

فروید آمد از ژ (به کردار شیر) ^{مانند} ^{قدرت} کمر بر میان، بادپایی به زیر
 (به پیش سپاه اندر آمد چو گرد) ^{سرعت} (چو رعد خروشان یکی ویل کرد) ^{خروش}

که گردان کدام اند و جنگ آوران دیران و کار آزموده سران

چو سحراب شیراوژن، او را بیدید ^{در اینجا: شکفتی تمسخر آمیز} ^{بمخندید و لب را به دندان گزید}

چو ذخبت کندا فکن او را بیدید ^{امروزه: افکن}

(بند مرغ را پیش تیرش گذر) ^{مهارت در تیراندازی}

به سحراب بر تیرباران گرفت

نگه کرد سحراب و آندش تنگ ^{احساس شرم کرد}

چو سحراب را دید گرد آفرید ^{که (بر سان آتش همی برد مید) ^{شدت حمله}}

۱۵ سر نیزه را سوی سحراب کرد

بر آشت سحراب و شد چون پلنگ ^{رفت}

بزد بر کمر بند گرد آفرید

چو بر زین پنچید گرد آفرید

بزد نیزه او به دو نیم کرد

۲۰ (به آورد با او بسنده نبود) ^{با او در چنگ نداشت} ^{پنچید از رزم پا او منصرف شد و برگشت (عقب نشینی)}

سجده، عنان، اژدها را پزد ^{استعاره از اسب}

ک: اختیار حرکت را به اسب سپرد ^{جهان را تاریک کرد}

نزدیکش
چو آمد خروشان به تنگ اندرش

بجینید و ا برداشت خود از سرش | زمینه‌ی
..... ← ماضی ساده

رها شد ز بند زره موے او ی

(در فشان چو خورشید شد، روی او ی) **زیبارو**

بدانت سهراب، کاود ختراست

(سر و موے او از در افسراست) **شایسته‌ی پادشاهی**

۲۵ شگفت آمدش؛ گفت از ایران پاه

چنین دختر آید به آوردگاه؟! میدان نبرد

ز فتراک بگشود بیجان کند

پنذاخت و آمد میانش به بند

بدو گفت کز من رهایی مجوی

چرا جنگ جویی، تو اے ماه روی؟

(نیامد به دایم به سان تو گور)

از چنگم رهایی نیایی، **مهور** تلاش بیپوده مکن که رهایت نمی‌کنم

بدانت کاویخت گردآفرید

تدبیر (نقشه) را راه رهایی دانست

۳۰ بدو روی نمود و گفت: «ای دلیر

میان دلیران به کردار شیر، **چاپلوسی**

دو لشکر، نظاره برین جنگ ما

برین گرز و شمشیر و آهنک ما **در اینچا: قصد**

کنون من گشایم چنین روی و موی

پاه تو گردد پُر از **گفت و گوی** چنجال [همراه شک]

که با دخترے او به دشت نبرد

بدین سان (به ابر اندر آورد گرد) ک: شدت نبرد

تسلیم کنون لشکر و **ژ** به فرمان توست

(نباید بر این آشتی، جنگ بخت) **صلح**

ک: تغییر جهت حرکت
۳۵ عنان را **پشچسید** گردآفرید

سمند سرافراز بر **ژ کشید**

همی رفت و سهراب با او به هم

بیامد به درگاه **ژ**، **گژدهم** رساند

در باره بگشاد گردآفرید

تن خسته و بته، بر **ژ کشید**

حیلت‌سازی
گردآفرید
پدای رهاندن
جان خود

در دژ بستند و غمگین شدند / پر از عسَم دل و دیده خونین شدند
 ز آزار گردآفرید و هجیر / پر از درد بودند، بُرنا و پسر

نگرانی همگانی

۴۰ بگفتند: کای نیکدل شیرزن / ^{حیلت‌سازی} پر از عسَم بد از تو، دل انجمن
 که هم رزم جُتی، هم افون و رنگ / ^{چنگیدی} و ^{تدیید} نیساید ز کار تو بر دوده ننگ

باعث حفظ آبروی خاندان شدی

بخنید بسیار، گردآفرید / به باره برآمد، سپه بنگرید
 چو سهراب را دید بر پشت زین / چنین گفت کای شاه ترکان چین
 چرا رنج گشتی، کنون بازگرد / هم از آمدن ^{به دنبال من} هم ز دشت نبرد

طنز و تمسخر } ۴۵ تو را بهتر آید که فرمان کنی / نباشی بس ایمن به بازوے خویش

رخ نامور، سوی توران کنی / ک: به توران بازگردی

«خورد گاو نادان، ز پهلوی خویش» = از که پر
 (ایهام: ۱) از قیل (۲) شکم

شاهنامه، داستان رستم و سهراب، فردوسی

۱۲۷- بیت «چون نداری ناخن در تنده تیز / با دندان آن به که کم‌گیری ستیز» با همه ابیات قرابت مفهومی دارد:

به جز:

- ۱) به چابک‌تر از خود مینداز تیر
- ۲) نرود مرغ سوی دانه فراز
- ۳) ابله آن گرگی که او نخجیر با شیرافکند
- ۴) به گفتار با مهتران بر مجوش

۱۲۸- مفهوم کدام گزینه با بیت «تهمتن برآشفت و با توس گفت / که رهام را جام باده است جفت» قرابت ندارد؟

- ۱) اسب لاغر میان به کار آید / روز میدان؛ نه گاو پرواری
- ۲) سایه پرورده را چه طاقت آن / که رود با مبارزان به قتال؟
- ۳) حریف سفله در پایان مستی / نیندیشد ز روز تنگ‌دستی
- ۴) ندهد هوشمند روشن‌رای / به فرومایه کارهای خطیر

www.my-dars.ir

- ۱۲۹- در کدام عبارت غلط املائی وجود ندارد؟
 (۱) لعیم را از دیدار کریم ملال افزایش.
 (۲) قنا فاضل‌تر از فقر که آن صفت باری تعالی است.
 (۳) کدام گروه واژه‌ها فاقد غلط املائی است؟
 (۱) حقارت و پستی - منصوب به زمین - طرب و شادی
 (۲) بحران و آشفتگی - فرقت و دوری - مندرس و پاره
 (۳) رعنا و زیبا - خاروبار - تقریر و بیان
 (۴) طبیعت فاسد و پلیدی اعتقاد، او را به نغض عهد واداشت.
 (۴) دست از من نخواهد داشت تا به بیغوله‌ای بنشینم.
 (۴) طراح اصلیمی - وصلت و جدایی - نیکو منظر

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ به کمک فرهنگ لغت، معانی «برکشیدن» را بنویسید.
- ۲ درباره کاربرد معنایی «بر»، در بیت زیر، توضیح دهید.
 بزد بر کمر بند گرد آفرید زره بر برش، یک به یک، بردرید
- ۳ با توجه به متن درس، زمان فعل‌های زیر را تعیین کنید و معادل امروزی آنها را بنویسید.
 ■ بدانست:
 ■ همی رفت:
- ۴ در گذر زمان، شکل نوشتاری برخی کلمات تغییر می‌کند؛ مانند: «سپید» ← «سفید». از متن درس، نمونه‌ای از تحوّل شکل نوشتاری کلمات بیابید و بنویسید.

قلمرو ادبی

- ۱ واژگان قافیه در کدام بیت‌ها، در بردارنده آرایه جناس‌اند؟
- ۲ نمونه‌ای از آرایه اغراق را در شعری که خواندید، بیابید.
- ۳ مفهوم عبارت‌های کنایی زیر را بنویسید.
 ■ سپهد، عنان، ازدها را سپرد (.....)
 ■ رخ نامور سوی توران کنی (.....)
 ■ لب را به دندان گزید (.....)
- ۴ یک مَثَل از متن درس بیابید و درباره معنا و کاربرد آن توضیح دهید؛ سپس با رجوع به امثال و حکم دهخدا، دو مَثَل، معادل آن بنویسید.
 ۵

۱۳۱- در کدام یک از ابیات زیر واژه «مَمال» به کار نرفته است؟

- (۱) که آیم ببوسم رکیب تو را / ستایش کنم فرّ و زیب تو را
- (۲) درین دو روزه توقف که بوکه خود نبود / درین مقام فسوس و درین سرای فریب
- (۳) این جهان را به جز از خوابی و بازی مشمار / گر مفری به خدا و به رسول و به کتیب
- (۴) نَخَلد ناوک آن نرگس خون خوار دلم / تا سلیح دلم آن زلف زره‌وار بود

۱۳۲- آرایهٔ مقابل کدام بیت نادرست است؟

- (۱) به هرغمی که رسد از تو خاطر م شاد است
(۲) هر آنکو خاطر مجموع و یار نازنین دارد
(۳) شراب تلخ می‌خواهم که مردافکن بود زورش
(۴) ز حرص من چه گشاید تو ره به خویشم ده
- که بنده‌ی تو ز بند کدورت آزاد است (جناس)
سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد (کنایه)
که تا یکدم بیاسایم ز دنیا و شر و شورش (حسن آمیزی)
که چشم سعی ضعیف است بی چراغ هدایت (تشبیه)

قلمرو فکری

- ۱ دلیل دردمندی و غمگین بودن ساکنان دژ، چه بود؟
۲ معنا و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
به آورد با او بسنده نبود بیچید ازو روی و برگاشت زود
۳ فردوسی در این داستان، گردآفرید را با چه ویژگی‌هایی وصف کرده است؟
۴ «حماسه» در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، شعری است با ویژگی‌های زیر:
داستانی،
قهرمانی، توصیف افرادی با نیروی یا
قومی و ملی، بیان یک ملت؛ و
حوادثی خارق العاده اتفاق افتاده در داستان
بر پایهٔ این توضیح، این درس را با متن روان خوانی «شیرزنان» مقایسه کنید.
..... ۵

۱۳۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) زمین کوه تا کوه پر خون کنیم / ز دشمن بیابان چو جیحون کنیم
(۲) از آن گر بگردیم و جنگ آوریم / جهان بر دل خویش تنگ آوریم
(۳) به خنجر دل دشمنان بشکنیم / اوگر کوه باشد، ز بن بر کنیم
(۴) جهان بر بداندیش تنگ آوریم / سر سرکشان زیر سنگ آوریم

۱۳۴- مفهوم ابیات کدام گزینه یکسان است؟

- (الف) بکش زارم چه دایم حرف از آزار می‌گویی / تو خود آزار من کن از چه با اغیار می‌گویی
(ب) تنگی از گردون ز ناهمواری خود می‌کشی / رشتهٔ هموار را جولان به چشم سوزن است
(ج) هنوزت نامرتب بود بر تن جامهٔ خوبی / که جیبم پاره بود از دست خوی مردم‌آزارت
(د) تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم / از که می‌نالی و فریاد، که را می‌داری؟
(۱) ب، د (۲) الف، ج (۳) ب، ج (۴) الف، د

شعر خوانی دلیران و مردان ایران زمین

در اینجا: زمان فداسپید مشهور

۱ چو هنگامه آزمون تازه شد دگرباره ایران، پُراوازه شد

از کاین خطه نغز پدram پاک و زین خاک جان پرور تابناک

از این مرز فرخنده مردخیز پلنگان دشمن ستیز

دگر ره، چنان شد هنر آشکار کز آن خیره شد دیده روزگار

دلیران و مردان ایران زمین هزیران جنگ آور روز کین

خروشان و جوشان به کردار موج سراز آمدند از کران فوج فوج

M.M استعاره از رزمندگان شجاع

زیبایی‌هایی پدید آمد مجازاً مردمان

۵ M.M

تلمیح به آیهی: رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا

۱۳۵- در کدام گروه کلمه، غلط املائی، وجود دارد؟

- (۱) عنایت و توجه، تمایز و فرق گذاشتن، مخوف و هراس انگیز، اکتفا و بسنده کردن
- (۲) نثار کردن و پیشکش، ذی حیات و جاندار، مائده و سفره، سخا و جوانمردی
- (۳) همت و بلندنظری، تهی دست و مفلس، درآمد مستقلات، ندامت و تأسف
- (۴) عربده و پرخاش، طاس مسی، کیسه و انبان، تلطّف و مهربانی

۱۳۶- در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) معده چو کج گشت و شکم درد خواست
 - (۲) هر که تأمل نکند در جواب
 - (۳) به قدر هنر جست باید محل
 - (۴) امروز کس نشان ندهد در بسیط خاک
- سود ندارد همه اسباب راست
بیشتر آید سخنش ناصواب
بلندی و نحسی مکن چون زحل
مانند آستان درت مأمّن رضا

www.my-dars.ir

۱۳۷- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، کدام است؟

- «به داد و دهش گیتی آباد دار دل زبردستان خود شاد دار»
- (۱) مفعول، نهاد، مفعول، قید
 - (۲) مفعول، مستند، مفعول، مضاف‌الیه
 - (۳) نهاد، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه
 - (۴) نهاد، مستند، قید، مضاف‌الیه

x (تحسین عالمیان را پراکنگ میکنند)

جهان شد از ایشان پُر از گفت و گوی
نگهبان دین، حافظ کشورند
خدیجی گران بر دل دشمن اند (خار چشم دشمنان اند)

به مردی به میدان نهادند روی
که اینان ز آب و گل دیگرند
بداندیش را آتش خرمن اند

شجاعت و خدا ترسی ۱۰ (ز کس جز خداوندشان بیم نیست)
فعل غیر استنادی (به فرهنگشان حرف تسلیم نیست) تسلیم ناپذیری

فلک در شگفتی ز عزم ثبات
[ثما را چو باور به یزدان بود]
ایمان

ملک، آفرین گوی رزم ثبات
هم او مرثما را نگهبان بود
«من یتوکل الله فهو حسبه»
محمود شاهرخی (جذبه)

درک و دریافت

- ۱ کدام ویژگی های شعر حماسی را در این سروده می توان یافت؟ دلایل خود را بنویسید.
- ۲ یک بار دیگر شعر را با لحن حماسی بخوانید.

۱۳۸- با توجه به بیت «ز شوق روی تو حافظ نوشت حرفی چند بخوان ز نظمش و در گوش کن چو مروارید» ارکان تشبیه در کدام گزینه نادرست است؟
 (۱) چو: ادات تشبیه (۲) در گوش کن: وجه شبهه (۳) حافظ: مشبهه (۴) مروارید: مشبهه به

۱۳۹- کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«به آورد با او بسنده نبود / بیچید ازو روی و برگاشت زود»

- (۱) بیچید رسد رستم ز گفتار اوی
- (۲) ندانست کاین شیر پرخاشخر
- (۳) بیچید ازو روی پر درد و شرم
- (۴) چو رهام گشت از کشانی ستوه

۱۴۲- ترتیب قرار گرفتن آرایه‌های «تناقض، تشبیه، اغراق، حس آمیزی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (الف) از ضعیفی چنان شدم که ز تن / در دل من ببینی اسرارم
(ب) برق شب نگاه تو با ذات شعله‌ام / روز مرا در آتش و تاریک می‌کند
(ج) بوی عشق از دل شنودم نزد او گشتم مقیم / دوست را در خانه دیدم وز سفر باز آمدم
(د) من دور می‌شوم که تو را تاب آورم / دوری فقط مرا به تو نزدیک می‌کند

(۲) ب- د- الف- ج

(۴) د- ج، ب، الف

(۱) د- ب- الف- ج

(۳) ب- د- ج- الف

۱۴۳- نقش کلمات مشخص‌شده، در همه گزینه‌ها درست است به جز ...

- (۱) در آحد که گل بوسه زخم‌ها، تنت را دشت شقایق کرده بود. (مسند)
(۳) دری که به باغ بینش ما گشوده‌ای، هزار بار خیبری تر است. (صفت)

۱۴۴- با توجه به این بیت کدام گزینه نادرست است؟

«من ایرانیم، آرمانم شهادت / تجلی هستی است جان‌کننده من»

(۱) از سه جمله تشکیل شده است.

(۳) در بیت یک صفت وجود دارد.

(۲) وسعت تو را چگونه در سخن تنگ‌مایه گنجانم؟ (مضاف‌الیه)

(۴) هیچ دینی نیست که وام‌دار تو نیست (نهاد)

(۲) سه مضاف‌الیه دارد.

(۴) سه ضمیر دارد.

مای دررس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir